

## بررسی تطبیقی روایت ابن سیرین در رابطه با جمع قرآن و رابطه آن با بیعت

### امام علی علیه السلام در منابع فریقین

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۶

حسین خاکپور؛ دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان  
الهام عباسی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)  
زهرا عباسی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

#### چکیده

بنابر گزارش دانشمندان علوم قرآنی، امام علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله و فراغت از تدفین آن یگانه تاریخ، چون از مردم دلسرد گشت، به جمع قرآن دست یازید. عده‌ای تلاش امام را مخالفت ایشان با خلافت ابوبکر ندانسته، سعی نموده‌اند بین آن، این گونه ارتباط برقرار نمایند که علت تأخیر امام از بیعت ناخرسندی ایشان نبوده است، بلکه اشتغال به جمع قرآن و عمل به وصیت پیامبر صلی الله علیه وآله را عامل آن دانسته، و کوشیده‌اند این ارتباط را - در برخی از روایات ابن سیرین به خود امام منسوب نمایند.

مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تطبیقی روایت جمع قرآن پرداخته است، پس از بررسی سندی و محتوایی روایت ابن سیرین به این نتیجه دست یافته است که حدیث دارای ارسال در سند است به گونه‌ای که راوی آن - عکرمه - در دشمنی با علی علیه السلام شهره آفاق است. افزون بر این - ضمن عدم انسجام و مخالفت با سایر روایات - احتمال تحریف و جعل در آن بسیار است.

کلید واژه‌ها: امام علی علیه السلام، جمع قرآن، مصحف امام، ابن سیرین.

## طرح مسأله

امام علی علیه السلام به عنوان وارث علم پیامبر صلی الله علیه وآله، آگاه‌ترین فرد به تفسیر و تأویل، به مثابه تنها صحابی که از راز و رمز هرآیه آگاه بود، حضور همیشگی ایشان با پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم در زمان‌های نزول قرآن، فراگیری از علم بی‌کران رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم و «باب علم نبی» شایستگی‌های بی‌بدیلی را برای او ثابت می‌کند که هیچ کس را یارای برابری با این امام همام نیست. (سیوطی، ۱۴۰۷: ۴۹۳/۲؛ مناوی، ۱۳۵۶: ۳/ ۴۶۰؛ قنوجی، ۱۹۷۸: ۱۷۸/۲؛ اصفهانی، ۱۴۰۵: ۶۵/۱)

علی علیه السلام با این ویژگی‌ها به عنوان اولین شخصی است که به جمع و تألیف مصحفی تفسیری، دست یازید. (کلبی، ۱۴۱۵: ۷/۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۷/۱؛ معرفت، ۱۲۴۱: ۲۵۵/۱؛ رک: خاکپور و عابدی، ۱۳۹۱: ۲۸/۲) به طوری که بر اساس گزارش‌هایی که از دانشمندان علوم قرآنی، حدیث و تاریخ رسیده، امیر مؤمنان علیه السلام پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و فراغت از مراسم سوگواری، از بیعت با ابوبکر سر باز زده و به گرد آوری قرآن پرداخت. (هلالی، ۱۴۰۷: ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸۹/۲۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۷۵-۸۲؛ مظلومی، ۱۳۶۰: ۱-۷۷/۳؛ خاکپور و عابدی، ۱۳۹۱: ۲۸/۲ و ۲۹؛ فرشچیان، ۱۳۸۷: ۶۷) ناگفته نماند که بنا به قول سلمان فارسی، وقتی امیر علیه السلام بی وفائی صحابه و غدر آنها را ملاحظه کرد که حکومت را به غیر اهل سپردند، کار تنظیم قرآن را شایسته‌ترین امر اسلامی موجود دانست و بدان پرداخت. (مظلومی، ۱۳۶۰: ۸۰)

این نوشته گرانبها گرچه سوگمندان در دست نیست؛ اما نشان آن در کلام اهل تاریخ و حدیث، فراوان است. بر همین اساس گروهی از اندیشمندان اهل سنت علت بیعت نکردن آن حضرت با خلیفه اول را مشغول بودن ایشان به جمع قرآن دانسته‌اند، ابن ابی الحدید می‌گوید: «اهل حدیث بر خلاف شیعه، عدم حضور علی علیه السلام را

مخالفت با بیعت ندانسته بلکه آن، به دلیل اشتغال به جمع قرآن بوده است». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۷/۱)

نکته قابل تأمل این که ظاهر برخی از روایات بر این نکته پافشاری می‌کند که ابوبکر از حضرت علی علیه السلام می‌پرسد آیا از خلافت من ناخشنودی؟ امام می‌فرماید: نه، دیدم به کتاب خدا افزوده می‌شود تصمیم گرفتم قرآن را جمع کنم و ابوبکر می‌گوید: خوب تشخیص دادی. (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۱۴۸/۶)

این مسائل در کنار افراط در نقل این گونه روایات باعث گردیده که برخی در اصل جمع قرآن توسط امام علیه السلام تردید نمایند؛ اما اصل این قضیه به هیچ وجه قابل انکار نیست. (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۷۹: ۲۶-۳۰) به طوری که امام خود در این زمینه فرموده‌اند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به من وصیت فرمود که پس از دفن او جز برای نماز جمعه از خانه خارج نشوم تا آن گاه که کتاب خدا را جمع آوری کنم؛ زیرا قرآن در آن زمان روی چوبه‌های نخل و استخوانهای شانه شتر نوشته شده بود». (سیوطی، ۱۴۰۷: ۱۸۳؛ حجتی، ۱۳۶۶: ۲۱۶) بنابراین نخستین کسی که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشغول گردآوری قرآن شد و کتاب خدا را طبق ترتیب نزول جمع کرد، علی علیه السلام بود. (معرفت، ۱۲۱۴: ۲۲۵)

همچنین محمد بن سعد بن منیع، معروف به ابن اسعد با سند خود از محمد بن سیرین چنین می‌آورد: «برای ما چنین گفته‌اند که علی علیه السلام گفته است: سوگند یاد کردم تا قرآن را گرد نیاورم، ردای خود بر دوش نگیرم». (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۲/ ۲۳۸) ابن ابی داود نیز ضمن اشاره به همین مضمون افزوده است: «...علی علیه السلام بر این کار توفیق یافت و قرآن را در مصحفی گردآورد». (ابن ابی داود، ۱۹۳۶: ۱۶) ابن المنادی، احمد بن جعفر بن محمد نیز همین گزارش را به نقل از عبد خیر (ابن ندیم، ۱۳۹۸: ۳۱) و ابو نعیم اصفهانی از همان طریق عبد خیر (ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۰۵: ۳۱)؛ و ابن عبدالبر نیز با دو طریق از محمد بن سیرین و عکرمه (قرطبی،

۱۴۱۲: ۹۷۶) و حاکم حسکانی از دانشمندان قرن پنجم با سند خود با چند طریق از محمد بن سیرین، عبد خیر و عکرمة خبر مصحف را آورده‌اند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۶/۱) ابن ندیم در الفهرست نام علی علیه السلام را در صدر نام کسانی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به جمع قرآن همت گماشتند، ذکر می‌کند. وی در این زمینه گزارش می‌کند که آن حضرت علیه السلام سوگند خورد که ردا بر نگیرد تا اینکه قرآن را گرد آورد. همچنین ابن ندیم مصحف امام علی علیه السلام را نخستین مصحفی می‌داند که علی علیه السلام با استمداد از حافظه خود، آیات الهی را در آن جمع آوری کرده است. (ر.ک: ابن ندیم، ۱۳۹۸: ۴۳-۴۵)

اما نگارنده در پی آن است که بیان نماید: این گونه روایات که تلاش می‌کند بین جمع قرآن توسط امام و عدم بیعت ایشان با ابوبکر، ارتباط برقرار کند و به نوعی تأخیر امام را بر مشغول بودن ایشان به جمع قرآن توجیه نماید، پایه و اساسی ندارد.

مهمترین روایاتی که تلاش می‌کند بین جمع قرآن توسط امام و عدم بیعت ایشان ارتباط برقرار نماید، روایت ابن سیرین از عکرمة است. ابتدا ذکر روایت: آمده است: «محمد بن سیرین گفت: خبر یافتم که علی علیه السلام از بیعت ابی بکر تأخیر کرد، پس ابی بکر گفت: آیا از زمامداری من ناخشنودی؟ فرمود: سوگند یاد کرده‌ام که جز برای نماز رداء بر دوش نیفکنم تا قرآن را گرد آورم». (ابن سعد، بی‌تا: ۱۰۱/۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲۵۳/۲)

در برخی منابع دیده می‌شود که علی علیه السلام در پاسخ کسانی که از بیعت نکردن با ابوبکر سؤال می‌کردند، می‌فرمود: قسم یاد کرده‌ام جز برای نماز رداء بر دوش نگیرم تا قرآن را جمع کنم. (همان، ۶۷) علی علیه السلام پس از فراغت از آماده سازی پیکر پاک پیامبر سوگند یاد کرد که جز برای نماز ردا نپوشد تا قرآن را گرد آورد پس چنین کرد. (عاملی، ۱۳۸۰: ۴۱۱)

حضرت علی - علیه السلام - پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله که از همه آشناتر به قرآن بود در خانه خود به انزوا نشست و قرآن کریم را جمع آوری و تدوین کرد. از ابن عباس در ذیل آیه «لاتتحرك به لسانک لتعجل به ان علينا جمعه و قرآنه.» نقل شده که علی بن ابیطالب - علیه السلام - پس از رحلت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - قرآن را به مدت شش ماه جمع آوری کرد». (مجلسی، ۱۳۷۰: ۸۹/۵۲).

در اخبار ابورافع آمده است که علی - علیه السلام - به خاطر توصیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره جمع آوری قرآن، پس از آن که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - رحلت کرد، قرآن را در جامه‌ای پیچیده و به منزل خویش برد و در خانه نشست و قرآن را، همان گونه که خدا نازل کرده بود، جمع آوری نمود، علی - علیه السلام - به این کار آگاه بود.» (همان).

دانشمندان اهل سنت حدیث جمع قرآن به و سیله علی علیه السلام را بیشتر از طریق ابن سیرین (م/۱۱۰ق) نقل می‌کنند. ابن الضریس (زرکلی، ۱۹۹: ۴۶/۶) در فضائل القرآن، سجستانی و ابن اشته، در مصاحف خود این روایت را نقل کرده‌اند. سجستانی از ابن سیرین آورده است: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رحلت نمود، علی علیه السلام قسم یاد کرد که جز برای نماز جمعه رداء بر دوش نگیرد تا قرآن را در مصحفی گردآورد و چنین کرد و از علی علیه السلام نقل می‌کند که قسم یاد کرده‌ام که جز برای نماز جمعه رداء بر دوش نگیرم». (سجستانی، ۱۳۵۵: ۱۰)

سیوطی در تاریخ الخلفاء سخن سجستانی را با اختلاف نسبت به آنچه ذکر گردید آورده است؛ همچنین نقل ابن حجر هیتمی، جز در یکی دو کلمه همانند تاریخ الخلفاء است و در هر دو، سخنی از نماز جمعه به میان نیامده است. (سیوطی، ۱۴۱۵: ۱۸۵؛ هیتمی، ۱۹۹۷: ۳۷۵/۲)

روایات فراوانی در گرد آوری قرآن به دست امیرمؤمنان علیه السلام از سوی شیعه و اهل سنت نقل شده است تا آن حد که برخی اثبات آن را بی نیاز از دلیل دانسته- اند. (خوئی، ۱۴۰۱: ۲۲۳/۱)

## ۱. بررسی سندی روایت

در مورد سند روایت باید اذغان کرد که روایت ابن سیرین از سندی در خور برخوردار نیست و نوعی عدم انسجام در آن مشاهده می شود. به طوری که علاوه بر مرسل بودن نقل های آن، در سندش فردی دیده می شود که متهم به دروغگویی بوده و دشمنی او با اهل بیت علیهم السلام محرز است. (فرشچیان، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۸)

### ۱-۱-۱. ارسال در روایت ابن سیرین

روایت ابن سیرین توسط پنج نفر از راویان او نقل شده است، همگی این افراد، روایت او را مرسل نقل کرده اند چرا که ابن عون، اشعث، ایوب و حسن بن دینار روایت ابن سیرین از علی علیه السلام را نقل می کنند، لذا ابن سیرین هم نمی توانسته بدون واسطه از ایشان روایت کند، ممکن است ادعای مسند بودن روایت ابن سیرین از عکرمه شود، که آن هم قطعی نیست چرا که ابوزرعه، روایت عکرمه از علی علیه السلام را در جمله روایات، مرسل می داند. (عسقلانی، ۱۴۰۴/۷، ۲۴۲) البته ابن عبدالبر، اجماع بر صحت مراسیل ابن سیرین را نقل می کند؛ (قرطبی، ۱۴۱۲: ۳۰۱/۸) ولی ابن حجر عسقلانی روایت او را که سجستانی در المصاحف نقل کرده است به دلیل منقطع بودن ضعیف می شمارد. (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۳؛ سیوطی، ۱۴۱۵: ۱۶۱/۱)

البته به صرف مرسل بودن نمی‌توان احادیث ابن سیرین را ضعیف دانست؛ اما احادیث مورد بحث در این نوشته علاوه بر ارسال، دارای ضعف روات بوده و به لحاظ محتوایی نیز از استواری لازم بهره ندارد.

## ۱-۲. ضعف روات

یکی از این راویان این روایت، عکرمه است؛ وی اهل مغرب و مفسر تابعی مکی است. او غلام حصین بن حر عنبری بود و زمانی که ابن عباس از سوی علی بن ابی طالب علیه‌السلام والی بصره شد، او را به وی بخشید. ابن عباس در تعلیم قرآن و روایات به وی کوشش فراوان کرد. (ابن خلکان، ۶۸۱، ۳/۲۶۵) تا آنجا که در تفسیر مقامی والا یافت.

اگرچه برخی افراد وثاقت وی را مورد تأیید قرار داده‌اند؛ اما اهل تسنن در وثاقت عکرمه اختلاف نظر دارند؛ مؤلفان صحاح سته، ابن ابی حاتم، ابن معین، عجللی و نسایی او را توثیق (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۴ق، ۷/۲۳۹) و در مقابل، مالک (همان، ۲۳۸/۷) احمد بن حنبل (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۵/۲۶) و گروهی دیگر او را تضعیف کرده‌اند. (همان) غالب دانشمندان شیعه او را ثقه ندانسته‌اند.

نقل ابن سیرین از عکرمه دارای اشکال است چرا که عکرمه در دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام شهره است؛ اما در مورد شخصیت عکرمه باید بیان کنیم طبق مستندات: عکرمه خارجی، کینه توز اهل بیت و از خوارج (مامقانی، ۱۳۵۲: ۲/۲۵۶؛ بحرانی، ۱۴۱۰: ۵/۷۶؛ تستری، ۱۳۷۹: ۶/، ۳۲۶-۳۲۷؛ ابن خلکان، ۱۴۱۹: ۳/۲۶۵) و از پیروان عقیده نجده حروری است (نجده از سردمداران خوارج و دشمن‌ترین آنان با علی علیه‌السلام بود). عکرمه به مغرب رفت و اولین کسی است که عقیده صفریه را در میان آنان نشر داد. (ذهبی، ۱۴۰۶: ۵، / ۲۰-۲۱) بنابراین، مذهب خوارج در مغرب از

او گرفته شده است. ( همان، ص ۲۱؛ عسقلانی، ۱۳۰۰، ۴۲۵-۴۲۶؛ همو، ۱۴۰۴، ۴۲۵-۴۲۶)

به لحاظ همین سابقه بد عقیدتی برخی چون مالک و ابن سیرین، از او در سلسله سند روایت یاد نمی‌کنند، تنها مالک در یک روایت از او نام برده است (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۹/۷) و به احتمال فراوان روایات جمع قرآن که راویان ابن سیرین آن را مرسل نقل کرده‌اند، در واقع شنیده‌های ابن سیرین از عکرمة قلمداد می‌شود.

عکرمة آنقدر با اهل بیت علیهم السلام عناد می‌ورزد که با وجود روایات فراوانی که دلالت بر نزول آیه تطهیر در شان اهل بیت علیهم السلام دارد، حاضر است تن به مباحثه دهد تا اثبات کند این آیه درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است (سیوطی، ۱۹۹۳، ۶۰۳/۶) طبیعی است که چنین فردی ادعا کند که علی از بیعت با ابوبکر ناخشنود نبوده است، بلکه جمع قرآن او را از آن باز داشته است، البته عکرمة تنها از نظر سابقه بد عقیدتی مورد اعتراض نیست، او حتی متهم است که روایات را صحیح نقل نمی‌کرده. (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۷) و بر ابن عباس دروغ می‌بسته است، علی فرزند ابن عباس، ابن عمر و سعید بن مسیب وی را متهم به دروغ گویی بر ابن عباس کرده‌اند، مالک، او را ثقه، نمی‌دانست و دستور داد که از او حدیث گرفته نشود. (همان، ۲۳۸/۷) و جالب است که بدانیم ابن سیرین خود، عکرمة را کذاب خوانده است. (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۵/۵)

کینه عکرمة با امام علی علیه السلام و اولاد ایشان، نقل غیر صحیح روایات، دروغ بستن به صحابه بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله مثل ابن عباس و دیگران و دلایل دیگر نشان می‌دهد که ایشان فردی بسیار ضعیف بوده و روایات عکرمة غیر قابل اعتماد است.



## ۲. نقد محتوایی

روایت ابن سیرین در بعد محتوایی به دلیل منسجم نبودن نقل قول‌های آن، مخالفت با سایر روایات و احتمال جعل و تحریف روایت مورد اطمینان نیست. از نظر محتوایی روایت ابن سیرین دارای اشکالاتی به قرار ذیل است:

### ۱-۲. عدم انسجام روایت

روایت ابن سیرین در مورد جمع قرآن توسط حضرت علی علیه السلام به دلایلی پیش رو خالی از ارتباط و انسجام است.

#### ۱-۱-۲. خلط امارت با خلافت در پاسخ امام علی علیه السلام به ابوبکر

در روایت اشعث، ایوب و ابن عون از ابن سیرین ذکر شد که: ابوبکر از امام علیه السلام می‌پرسد آیا از امارت من ناخشنودی؟ (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۷۴/۳؛ همو، ۱۳۸۷: ۳۰۰/۸-۳۰۱؛ ابن سعد، بی‌تا: ۳۳۸/۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/ ۳۸؛ سجستانی، ۱۳۵۵: ۱۰) ولی در نقل ابن ابی شیبیه از ابن عون «خلافت» به جای «امارت» به کار برده شده است. (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ۱۴۸/۶) اما مهمتر اینکه حسن بن دینار، دیگر راوی ابن سیرین روایت می‌کند... گفت آیا از من ناخشنودی؟ (حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۶/۱) از آخر روایت حسن بن دینار ناخشنودی از خلافت فهمیده نمی‌شود، بلکه به صراحت بیان شده که از من ناخشنودی؟ در حالی که موارد دیگر صراحت ناخشنودی از «امارت» یا «خلافت» دارد، همین موضوع، عدم انسجام این روایت را می‌رساند که به نظر می‌رسد- بر فرض صحت سند- کلمه‌ای در این روایات داخل شده یا (تحریف به زیاده) تصحیفی در آن رخ داده است که در هر صورت غیر قابل اعتماد بودن آن را می‌رساند.

## ۲-۱-۲. سخن امام علی علیه السلام با ابوبکر

در سخن امام علی علیه السلام با ابوبکر نیز عدم انسجام مشاهده می شود:

عبدالرزاق چنین روایت می کند: «عن معمر عن ایوب عن عکرمة قال لما بویع لابی بکر تخلف علی عن بیعته و جلس فی بیته فلقیه عمر فقال: تخلفت عن بیعه ابی بکر، فقال: انی آلیت بیمین حین قبض رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم الا ارتدی بردائی الا الی الصلاه المتکوبه حتی اجمع القرآن». (صنعانی، ۱۴۰۳: ۴۵۰/۵) مقایسه کنید با:

«...اخبرنا ابن عون عن محمد قال: لما استخلف ابوبکر قعد علی فی بیته فقیل لابی بکر، فارسل الیه اکرهت خلافتی؟ قال: لا لم اکره خلافتک و لکن کان القرآن یزاد فیه، فلما قبض رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم جعلت علی ان لا ارتدی الا الی الصلاه حتی اجمعه للناس». (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۴۸)

همچنین در شواهد التنزیل این سخن عکرمة دیده نمی شود با اینکه حاکم حسکانی، خود به سند متصل روایت را از عبد الرزاق نقل می کند. (الحسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۳۷).

نکته دیگر این است که در روایت عبد خیر و یمان از امام علی علیه السلام، به هیچ وجه سخنی از بیعت و یا خشنودی از خلافت، نه به امام علیه السلام نسبت داده شده و نه راویان چنین گفته اند. (ابن ندیم، ۱۳۹۸: ۴۱؛ ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۰۵: ۱ / ۶۷؛ الحسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۳۶-۳۷) در روایات شیعه نیز از این مسأله سخنی به میان نیامده است؛ اما در روایت دوم- ابن عون از محمد- امام علیه السلام می گوید: «از خلافت تو اکراه ندارم» عدم ذکر این عبارت در سایر روایات و منابع نشان می دهد این قسمت هم از زیادات راوی است.

گفته ابوبکر نیز با اختلاف به امام علیه السلام نسبت داده شده است؛ در نقل اشعث و حسن بن دینار، قسم به لفظ جلاله به کار برده شده است (سجستانی، ۱۳۵۵، ۱۰؛ حسکانی، ۱/۱۴۱۱، ۳۶) اما در روایت ابن عون و ایوب، قسم به لفظ جلاله دیده نمی -

شود. (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۴۸؛ ابن سعد، بی تا، ۲ / ۳۳۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ۱ / ۳۸) این بررسی‌ها نشان می‌دهد که زیادت مشاهده شده در روایت، از امام علی علیه السلام نیست و به ظن قوی از ساخته‌های عکرمه است.

### ۳-۱-۲. بیان متفاوت روایت اشعث با ایوب در مورد سخن امام علی علیه السلام

در روایت اشعث از ابن سیرین آمده است: «علی علیه السلام، سوگند یاد کرد رداء، جز برای نماز جمعه برنگیرد تا قرآن را در مصحفی گردآورد» (سجستانی، ۱۳۵۵: ۱۰) اما در نقل ایوب از ابن سیرین، مشاهده می‌شود که این سخن با تغییراتی به علی علیه السلام نسبت داده شده است:

..... ولی من سوگند خورده‌ام که جز برای نماز، رداء نگیرم تا مصحف را گرد آورم. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۸ / ۳۰۰-۳۰۱) در روایت دوم، همانند بیشتر روایاتی که متضمن سوگند علی علیه السلام است، سخن از نماز جمعه به میان نیامده و مشخص نیست جمع مصحف، به چه معنا است.

بنابراین، سخن نسبت داده شده به علی علیه السلام در خصوص رضایت به خلافت تنها در روایت ابن سیرین دیده می‌شود و این نقل به دلیل: مرسل بودن و منسجم نبودن نقل قولهای آن و نیز به سبب مخالفت داشتن با سایر روایات جمع، قابل اعتنا نبوده و نمی‌تواند تأییدی بر خلافت ابوبکر باشد و نیز نمی‌توان تنها با استناد به آن در درستی روایات جمع شبهه وارد کرد؛ زیرا روایات جمع قرآن به دست علی علیه السلام منحصر به روایت ابن سیرین نیست. (فرشچیان، ۱۳۸۷: ۹۰) مولفان و مورخان و مفسران اهل سنت از مصحف آن حضرت با راویان متفاوتی یاد کرده‌اند که عبارتند از: بلاذری در «انساب الاشراف» ۵۸۶/۱؛ ابن ابی داوود در «المصاحف»: ۱۰؛ ابن ندیم در «الفهرست»: ۳۰؛ عبد الرزاق در «المصنف»: ۵ / ۴۵؛ ابونعیم اصفهانی در «حلیه الاولیاء»: ۶۷/۱؛ ابن سعد در «الطبقات»، ۳۳۸/۲؛ ابن ابی شیبیه در «المصنف» ۵۴۵/۱؛ ابن

جزی در «التسهیل لعلوم التنزیل»: ۴/۱؛ حاکم نیشابوری در «المستدرک»: ۶۱۱/۲؛ طرابلسی در «مسند»: ۲۷۰؛ ابن عبدالبر در «الاستیعاب» (حاشیه الاصابه): ۲۵۳/۲؛ بخاری در صحیح خود کتاب علم: ۳۹؛ و کتاب جهاد: ۱۷۱ و کتاب جزیه: ۱۰؛ یعقوبی در «تاریخ خود»: ۱۵۴/۲؛ ابن اثته در المصاحف بع نقل از الاتقان؛ حاکم حسکانی در «شواهد التنزیل»: ۱/ ۲۶-۲۸؛ عسکری در «الاولئ»: ۲۱۴/۱؛ خوارزمی در «المناقب»: ۴۹؛ سبط ابن جوزی در «تذکره الخواص»: ۱۴۸؛ محب الدین طبری در «الریاض النضره»: ۲۴۲/۱؛ قندوزی در ینابع الموده؛ ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه»: ۲۷/۱؛ ابن حزم در الفصل: ۳؛ ابن کثر در «تفسیر خود»: ۲۸/۴-۲۹؛ متقی هندی در «کنز العمال»: ۳۷۳/۲؛ ابن حجر هیتمی در «الصواعق المحرقة»: ۱۲۶؛ کاند هلوی در «حیاه الصحابه»: ۳۵۵/۳؛ سیوطی در «الاتقان»: ۷۲/۱ و ۵۷ و در «تاریخ الخلفاء»: ۱۸۵؛ نویری در «نهایه الادب»: ۵: ۱۰۴؛ در «تاریخ الشام»: ۷، ۲۱۰؛ قسطنانی در «ارشاد الساری»: ۷، ۴۵۹؛ ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری»: ۹/ ۱۰؛ عینی در «عمده القاری»: ۲۰/ ۱۶؛ ابن نظام الدین انصاری در «فتح الرحموت» (حاشیه المستصفی): ۲/ ۱۲؛ ایباری در «تاریخ القرآن»: ۸۴ و ۱۰۴؛ زرقانی در «مناهل العرفان»: ۱/ ۲۷۴؛ عبدالصبور شاهین در «تاریخ القرآن»: ۷۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 کتابخانه جامع علوم انسانی

## ۲-۲ احتمال جعل و تحریف روایت

یکی از دلایل رد روایت ابن سیرین جعل و تحریف است آنگونه که از روایاتی این چنینی بوی وضع می آید. از این رو حدیث سازان می خواستند عدم حضور حضرت علی علیه السلام را به نفع خود توجیه کنند در حالی که با دقت در متن روایت به جعلی بودن آن پی می بریم. بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی در این زمینه بحث هایی مطرح کرده اند از جمله:

«از روایاتی بدین سان در جمع قرآن که به گونه‌ای با حاکمیت شکل گرفته پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتبط است بوی جعل و وضع می‌آید. گویا حدیث سازان می‌خواستند غیبت علی علیه السلام را از صحنه بدین گونه توجیه و کار خود را موجه جلوه دهند. این نکته ظریفی است که فقیه بی بدیل روزگار، حضرت آیت الله بروجردی بدان تنبه داده است.» (بروجردی، ۱۳۷۵: ۴۸۴؛ فاضلی، ۱۳۸۴: ۱۲۵)

همچنین است روایتی که می‌گوید: آیا می‌توان گفت دستگاه حاکم تاخیر علی علیه السلام را از بیعت با ابی بکر تا این مدت بر تابیده است، نیز آیا این سخن با آنچه معروف است که زهرا سلام الله علیها سه ماه و چند روز یا کمتر، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمود و وادار کردن علی علیه السلام به بیعت در حیات زهرا سلام الله علیها تحقق پذیرفت، ناهمسازی ندارد؟ (حکیم باشی، ۱۳۷۵: ۲۲۱)

«آیا واقعا می‌توان پذیرفت که علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سوگند خورده باشد که روزها و یا ماه‌ها ملازم خانه شود و به جمع قرآن بپردازد و دیگران حق مسلم او را در ولایت بر مسلمین نادیده گیرند، آن هم قرآنی که طبق برخی روایات تا قرن‌ها بعد قرار نیست مورد استفاده مردم قرار گیرد و صرفاً برای اتمام حجت بر مردم؛ جمع آوری شود؛ مگر اینکه بگوییم امام علیه السلام پس از اینکه از همراهی مردم با خود ناامید شد چنین سوگند یاد کرد.» حتی عبارت به خدا سوگند از این پس هرگز آن را نخواهید دید از علائم جعل روشن این حدیث است و این عبارت به اصطلاح دفن و دخل مقدر است.» (شاکر، ۱۳۸۰: ۱۹۶) بنابراین، روایت ابن سیرین در تأیید خلافت ابوبکر بوی جعل می‌دهد، علی علیه السلام به اجماع شیعه از خلافت ابوبکر ناراضی بود؛ لذا نمی‌توانست سوگند بخورد که من به خدا از امارت کراهت ندارم به علاوه اگر ابوبکر کار علی علیه السلام را در جمع قرآن تأیید کرده است چرا مصحف آن حضرت را نپذیرفت و خود، رأساً به گردآوری مصحف پرداخت. (نکونام، بی‌تا: ۶۰)

## نتیجه گیری:

روایات فراوانی در مورد جمع قرآن پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده که همگی نشان از این دارد که حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جمع قرآن پرداختند؛ اما شبهاتی در این زمینه مطرح شده است. یکی از این شبهه‌ها روایتی از ابن سیرین پیرامون جمع قرآن است. وی علت تأخیر حضرت علی علیه السلام در بیعت با ابوبکر، مشغول بودن آن حضرت به جمع قرآن دانسته و قابل توجه است که دانشمندان و مفسران اهل سنت روایت مربوط به جمع قرآن توسط حضرت علی علیه السلام را بیشتر از ابن سیرین نقل کرده‌اند؛ اما پس از بررسی روایت ابن سیرین می‌توان دریافت این قبیل روایات که ساخته و پرداخته فردی چون عکرمه است جعلی بوده و دارای ارسال در سند است. قابل توجه است - عکرمه - در دشمنی با امام علی علیه السلام شهره بوده و وثاقت وی از دیدگاه شیعه رد شده است؛ اما از نظر محتوایی پس از بررسی روایت ابن سیرین منسجم نبودن روایت، خلط امامت با امارت، جعل و تحریف روایت نشان از رد روایت دارد.

همچنین نسبت دادن رضایت به خلافت، تنها در روایت ابن سیرین بیان شده و از این رو حدیث سازان می‌خواستند عدم حضور حضرت علی علیه السلام را به نفع خود توجیه کنند. علاوه بر این اجماع شیعه این نظر را دارند که حضرت علی علیه السلام از خلافت ابوبکر ناراضی بود.

## منابع:

۱. ابن ابی الحدید المعتزلی، عز الدین، شرح نهج البلاغه، مصحح: ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن ابی داوود سجستانی، مصاحف، تصحیح آرتور جفری، مصر: ۱۹۳۶م، ۱۳۵۵ق.
۳. ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله، کتاب مصنف فی الاحادیث و الآثار، به تحقیق: کمال یوسف الحوت، الرياض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن اشته، محمد، مصاحف، بی جا، بی نا، بی تا.
۵. ابن جوزی، تذکره الخواص، نجف: چاپخانه علمیه، ۱۳۶۹ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، تاریخ الساری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، و دار صادر، بی تا.
۷. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، مصر، المطبعه الكبرى المیریه ببولاق، الطبعة الاولى، ۱۳۰۰ق.
۸. ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۹. ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان و ابناء الزمان، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق.
۱۰. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۰ق.
۱۱. ابن عبدالبر قرطبی، یوسف، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، المغرب، وزارة عموم الأوقاف، ۱۳۸۷ق.
۱۲. ابن عبدالبر قرطبی، یوسف، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، به تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۲ق.
۱۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار المعرفه و منشورات دارالفکر، دارالجلیل و دارالفکر، طبع عینی حلبی، دار الاندلس، ۱۴۰۳ق.
۱۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۸ق.
۱۵. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۶. ابیاری، ابراهیم، تاریخ القرآن، بیروت: دارالکتب اللبنانی-دارالکتب المصری، ۱۴۱۱ق.

۱۷. اندلسی، علی بن حزم، **الفصل فی الملل والنحل**، بیروت: دارالمعرف، (مصوره عن طبعه الخانجی، مصر)، الطبعه الثانيه، ۱۳۹۵ق.
۱۸. انصاری، ابن نظام الدین، **فواتح الرحموت** قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۵ق.
۱۹. بحرانی، کمال الدین میثم بیروت: دار العالم الاسلامی، الطبعه الثاني، ۱۴۱۰ق
۲۰. بخاری، ابی عبدالله، **صحیح البخاری**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۱. بروجردی، حسین، **نهایه الأصول**، نگارش: حسینعلی منتظری، قم: مطبعه الحکمه، ۱۳۷۵ش.
۲۲. بلاذری، احمد، **انساب الاشراف**، ترجمه: رسول الله منه، بیروت: مدرسه الاعلمی، بی تا.
۲۳. تستری، محمد تقی، **قاموس الرجال**، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، الطبعه الثانيه، ۱۴۱۰ق.
۲۴. حاکم حسکانی، عبدالله بن احمد، **شواهد التنزیل، لقواعد التفضیل**، تحقیق: محمد باقر المحمودی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعه الاولى، ۱۳۹۳ق.
۲۵. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، **مستدرک علی الصحیحین**، حافظ ذهبی، بیروت: دارالمعرفه و دار الفکر، ۱۳۴۲ق.
۲۶. حجتی، محمد باقر، **پژوهشی در تاریخ قرآن کریم**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۲۷. حسکانی، عبدالله بن عبدالله، **شواهد التنزیل**، بی جا: مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ق.
۲۸. حکیم باشی، حسن، **مصحف علی علیه السلام نخستین صحیفه تفسیری**، پژوهش های قرآنی، شماره ۵۶، ۱۳۷۵.
۲۹. خاکپور، حسین و عابدی، احمد، **اهل بیت علیهم السلام در تفاسیر اهل سنت**، قم: انتشارات زائر، ۱۳۹۱.
۳۰. خوارزمی، خطیب، **مناقب**، ترجمه: سید ابوالقاسم حقیقی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۳۱. خوئی، ابوالقاسم، **البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالزهراء (س)، ۱۴۰۱ق.
۳۲. ذهبی، ابو عبدالله، **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق: شعیب الارنؤوط و علی ابوزید، بیروت: موسسه الرساله، الطبعه الرابعه، ۱۴۰۶ق.



۳۳. زرقانی، عبدالعظیم، **مناهل العرفان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیه و دارالفکر، ۱۹۸۸م.
۳۴. زرکلی، خیر الدین، **الاعلام**، بیروت: دارالعلم، ۱۹۹ق.
۳۵. سیوطی، جلال الدین، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۳۶. سیوطی، جلال الدین، **تاریخ الخلفاء**، تعلیق: محمود ریاض حلبی، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۷ق.
۳۷. شاکر، محمدکاظم، **تاریخ قرآن**، جزوه چاپ نشده دانشکده اصول الدین قم، ۱۳۸۰ش.
۳۸. شاهین، عبدالصبور، **تاریخ القرآن**، قاهره، ۱۹۶۶م.
۳۹. شرف الدین عاملی، عبدالحسین، **المراجعات**، مترجم: حیدر قلی بن محمد خان، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۰ش.
۴۰. صنعانی، عبد الرزاق، **المصنف**، به تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت: المكتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
۴۱. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۴۲. طبری، محب الدین، **الریاض النضره فی مناقب العشره**، بیروت: دارالندوه الجدیده، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ق.
۴۳. عسکری، حسن بن عبدالله، **الاولئ**، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۴. عینی، محمود، **عمده القاری شرح صحیح البخاری**، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۴۵. فارسی، سلیمان بن داوود، **مسند ابی داوود الطیالسی**، حیدر آباد الدکن، الطبعة الاولى، ۱۳۲۱ق.
۴۶. فاضلی، مهسا، **جایگاه امام علی علیه السلام در تفسیر و علوم قرآن**، تهران: انتشارات دستان، ۱۳۸۴ش.
۴۷. فرشچیان، رضا، **امام علی علیه السلام و مبانی علوم قرآنی**، کرمان: دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۷ش.
۴۸. قندوزی حنفی، **ینایع الموده**، ترجمه: سید مرتضی توسلیان، تهران: چاپخانه بزرگمهر، بی تا.
۴۹. قنوجی، صدیق حسن خان، **ابجدالعلوم الوشی المرقوم فی بیان احوال العلوم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۸م.
۵۰. کاند هلوی، محمد یوسف، **حیاه الصحابه**، چاپ چهارم، بیرزت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق، و دار الوعی، ۱۳۹۱ق.

۵۱. کلبی، ابن جزی، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۲. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، النجف الاشراف: المطبعه المرتضویه، ۱۳۵۲ق.
۵۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۵۴. مظلومی، رجبعلی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی-سرگذشت قرآن، تهران: نشر آفاق، ۱۳۶۰ش.
۵۵. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۵۶. منای، محمد عبد الرووف، فیض الغدیر شرح الجامع الصغیر، مصر:المکتبه التجاریه الکبری، الطبعة الاولى، ۱۳۵۶ش.
۵۷. نجارزادگان، فتح الله، بررسی و نقد اسناد مصحف امام علی علیه السلام، نشریه مقالات و بررسی‌ها، پیاپی ۶۸، بی تا.
۵۸. نکونام، جعفر، پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام، اصفهان: مرکز تحقیقات و رایانه ای قائمیه بی تا.
۵۹. نویری، احمد، نهاییه الارب فی فنون الادب، مصر: دارالکتب الوثائق القومیه، ۱۹۸۵م.
۶۰. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، تحقیق: علاء الدین موسوی، تهران: الدراسات الاسلامیه و موسسه البعثه، ۱۴۰۷ق.
۶۱. هندی، علاء الدین المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح: صفوه السقا، موسسه الرساله، بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۵ق.
۶۲. هیتمی، احمد بن حجر، صواعق المحرقه، بیروت: دارالکتب العلمیه، مصر، دارالبلاغه، القاهره، دارالطباعة المحمدیه و با تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، مصر، مکتبه القاهره، بی تا.
۶۳. یعقوبی، احمد، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر، ۱۴۰۷ق.